

در آمدی به منطقه‌شناسی جزایر اندونزی

با تأکید بر مأخذ گزینی فارسی

سید میر صالح حسینی^۱

چکیده

اندونزی، سرزمین هزار جزیره اسلامی در جنوب شرقی آسیا واقع شده است، ۹۰٪ جمعیت آن مسلمانند و برای رهایی از استعمار غرب، به تقابل معرفتی و خیزش‌های اسلامی پرداختند و در راه کسب استقلال مبارزات زیادی را به سرانجام رسانیده‌اند. چالش‌های فکری و معرفتی گروه‌های اسلامی در حوزه درون مرزی و برون مرزی این کشور، فراز و نشیب‌هایی را در همبستگی اجتماعی مسلمانان پدید آورده است. در این نوشتار با نگاه جامعه‌شناختی به بعضی از آسیب‌های این گسست اشاره شده و با شناسایی موج بیداری اسلامی در جهان اسلام، به علل عقب ماندگی و توسعه نیافتگی اکثریت مسلمانان یک جامعه خواهیم پرداخت. می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های درون گروهی و نیز ستیزهای گروه‌های غیر خودی و استعماری، مهم‌ترین عامل رشد نیافتگی اندونزی در تاریخ معاصر به شمار می‌آید.

کلید واژگان:

اندونزی، مسلمانان، چالش‌های فکری و معرفتی، جنبش‌های اسلامی، جنوب شرق

آسیا

^۱ عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

با نگاه جمعیت‌شناختی به اندونزی می‌توان گفت که مجمع‌الجزایر این کشور بیشترین جمعیت مسلمان پیرو مذاهب پنج‌گانه اسلامی در جهان اسلام را دارد. حدود ۹۰ درصد مردم این کشور پیرو دین اسلام بوده و ادیان مختلف دیگری در کنار آنان زندگی می‌کنند.^۱ این کشور ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد.

اسلام بدون هجوم نظامی و قدرت شمشیر در این جزایر مورد استقبال مردم قرار گرفت؛ یعنی مردم این کشور بیشتر با تعقل و تعمق در اندیشه و معرفت دینی حاکم بر خاورمیانه عربی، اسلام را پذیرفتند. تغییر و تحولات مذهبی، می‌تواند با توجه به بنیان‌های فکری و معرفتی جدید، موجب بیداری اسلامی نوینی در این جزایر جنوبی شرق آسیا گردد.

در این کشور، گروه‌های مختلف اسلامی حرکت‌ها و نهضت‌های زیادی را برای مقابله با اندیشه‌های غربی، غیر اسلامی و کمونیستی داشته و برای کسب استقلال و رسیدن به حکومت مستقل اسلامی، تلاش‌های وصف‌ناشدنی زیادی انجام داده‌اند. در این جستار با نگاهی گذرا به حوزه‌های مختلف جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به این مجمع‌الجزایر آگاهی یافته و با روش توصیفی به شناخت گروه‌های اسلامی خواهیم پرداخت و در نهایت به کتاب‌های موجود در ایران به زبان فارسی درباره اندونزی اشاره می‌کنیم.

شجره‌شناسی جغرافیایی و مذهبی

مجمع‌الجزایر اندونزی از چندین هزار جزیره کوچک و بزرگ با وسعت تقریبی ۱/۹۵۷/۵۶۸ کیلومتر در جنوب شرقی آسیا واقع شده است.^۲ این کشور در تلاقی دو اقیانوس هند و آرام واقع شده و سواحل شمالی آن، رو به روی تنگه مالاکا و دریای چین جنوبی می‌باشد. شهر جاکارتا پایتخت اندونزی است و سابقه تشکیل شهر جاکارتا به سده‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی باز می‌گردد.^۳ وسعت این کشور بیشتر از نصف قاره اروپا و نیز بیشتر از مجموع کشورهای اسلامی مصر، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن است.^۴

اندونزی آب و هوای استوایی (حاره‌ای) دریایی و نیز دو فصل خشک و بارانی دارد. از مشخصات آن، گرمای فراوان، باران زیاد، رطوبت دائمی و بادهای ملایم است و اختلاف فصل‌های آن از دو درجه تجاوز نمی‌کند.^۵ این کشور دارای رشته کوه‌های فراوان و قله‌های مرتفع بسیاری است که در میان آنها حدود ۴۰۰ آتشفشان وجود دارد که یک چهارم آنها فعال

۱. جهت مطالعه بیشتر ر. ک: ابو هلال الاندونیسی، غاره تبشیریه جدیده علی الاندونیسیا، دارالشروق جده، المملکه العربیه السعودیه، ۱۹۸۰، ص ۷ - ۱.

۲. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶.

۳. محمد رضا مظفری، اندونزی، موسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶.

۴. موسوی بجنوردی، کاظم پیشین، ص ۳۴۷.

۵. همان، ص ۳۴۹.

است. فوران‌های آتشفشان هر چند یک بار مشکلاتی را برای ساکنان مجاور این کوه‌ها ایجاد می‌کند.^۱

اندونزی به لحاظ قومی و نژادی، جامعه‌ای بسیار متنوع و متکثر بوده و فاقد گروه نژادی هم‌گون است، با این وجود بیشتر مردم از نژاد مالایو هستند.

دین رسمی اندونزی، اسلام است. سرشماری‌های دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که حدود ۹۴٪ جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند و ۵٪ مسیحی و ۱٪ باقیمانده را ادیان دیگر شامل می‌شوند. مسلمانان اندونزی عمدتاً سنی و پیرو فرقه شافعی هستند، ولی اسلام در این کشور به دو بخش مشخص تقسیم شده است: یکی اسلامی که مسلمانان سانتری یا متعصب و مؤمن به آن معتقدند و دیگری اسلامی که مسلمانان آبانگان یا صوری و اسمی مدعی آن هستند.

سانتری‌ها به لحاظ اعتقادی شدیداً به ارکان پنج‌گانه اسلام و شریعت از دیگران ممتازند، در حالی که مسلمانان آبانگان طرف‌دار آمیزه‌ای از آیین‌ها، شعایر و مراسم روح‌گرایانه هندو و اسلامی به شمار می‌آیند.^۲

حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

اندونزی به لحاظ فرهنگی، جامعه‌ای بسیار پیچیده است. بیش از سیصد گروه قومی در آن زندگی می‌کنند و هر کدام آیین و مذهب خاصی دارند و این موضوع موجب شده که دارای فرهنگی چند پارچه باشد. پراکندگی گروه‌ها و اقوام سبب پیدایش آداب و رسوم متنوع در نقاط مختلف این جزایر شد، ولی با تمام این تنوع، بعضی از اشتراکات فرهنگی در میان همه گروه‌های قومی وجود دارد. بعضی از این اشتراکات از آداب و رسوم اندونزیایی^۳ و برخی از فزونی اکثر مسلمانان این کشور سرچشمه می‌گیرد.

پای‌بندی به مذهب اسلام ناشی از گسترش اسلام در این منطقه است و مردم تلاش می‌کنند احکام اسلامی را در حقوق فردی و اجتماعی رعایت کنند، ولی آداب و رسوم از قبیل آراستگی ظاهری، اهمیت به رقص و موسیقی، نمایش‌های عروسکی و... از فرهنگ اندونزیایی پیش از اسلام ناشی شده است. دولت نیز از طریق تکیه بر اشتراکات فرهنگی، نظیر زبان واحد و ایدئولوژی (پانچاسیلا)^۴ به دنبال تنظیم وحدت ملی بوده است.^۵

اندونزی در طول تاریخ، شاهد سه موج فرهنگی خارجی بوده که بر زندگی فرهنگی و

۱. محمد رضا مظفری، پیشین، ص ۱۰.

۲. کاظم موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۵۵.

۳. جهت مطالعه درباره تأثیرات فرهنگی مذاهب مختلف براندونزی ر. ک: اصول و مبانی سیاست فرهنگی در آسیا و آفریقا به کوشش رسول حسین لی زیر نظر مسعود کوثری، انتشارات «آن»، تهران، ۱۳۷۹، ص ۶۸.

۴. پنج اصل قانون اساسی در ادامه بحث توضیح داده می‌شود.

۵. محمد رضا مظفری، اندونزی، موسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۹.

اجتماعی مردم آن تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است.^۱ این تهاجم از شبه قاره هند منطقه خاورمیانه و جهان غرب بوده است. جریان فرهنگی هند، هنوز در بعضی از رسوم جاوه‌ای که شامل آیین‌های بودایی و هندویی است، باقی مانده است. موج بیداری اسلامی از سوی خاورمیانه، احساسات فرهنگی مردم را در عقاید مذهبی دگرگون کرد و قریب به ۹۰ درصد مردم را تحت نفوذ خود قرار داد و در نهایت فرهنگ غرب از طریق استعمار هلند و پرتغال و... وارد اندونزی شد و آثار خود را در قانون اساسی کشور که روی اصول غیر مذهب اسلامی تأکید می‌کند، برجای گذاشته است. در مجموع، فرهنگ کنونی اندونزی، اسلامی است، ولی آثار و شواهد از نفوذ فرهنگ‌های مختلف در آن حکایت می‌کند که ترکیبی از فرهنگ مادر تباری و سنت‌های اسلامی است.^۲

اسلام، نفوذ فراوانی در گسترش آگاهی‌های عموم مردم از طریق تعلیم و تربیت، نشریات و شرکت در مراسم حج داشته است.

در دوره استقلال کشور، مسلمانان از طریق فعالیت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی حضور مؤثری در جامعه یافتند و موفق شدند دولت را به اجرای هر چه بیشتر احکام و مقررات اسلامی در جامعه ترغیب و یا ملزم کنند.

اموری از قبیل دادگاه‌های حقوقی اسلامی^۳، جواز پوشش اسلامی در مدارس، بانک اسلامی و بیمه اسلامی که همه این موارد در دهه‌های ۱۹۹۰ به وقوع پیوست، حاکی از افزایش حضور و خواسته‌های مسلمانان در جهت اسلامی کردن جامعه بوده است.

حوزه‌های اقتصادی

حضور پرتغالی‌ها و هندی‌ها باعث شد که مجمع الجزایر اندونزی که به هند شرقی مشهور و دارای بهترین نوع ادویه جات در جهان بود، با تشکیل کمپانی‌های خارجی، این محصولات به سمت اروپا صادر شود و سود بسیار ناچیزی عاید مردم گردد. فقر، بیکاری و ستم اروپاییان، مردم را به ستوه آورد.

اندونزی به لحاظ اقتصادی مبتنی بر فعالیت‌های ابتدایی از قبیل استخراج قلع، کائوچوی طبیعی، قهوه و سایر دانه‌های خوراکی صادراتی و تولید مواد غذایی و برنج بوده است.^۴ پس از استقلال، سوکارنو - نخستین رئیس جمهور - توسعه صنعتی را در پیش گرفت و صنایع سنگین را در طرح پنج ساله به اجرا درآورد و طرف دار اقتصاد مختلط بود و از کنترل شدید دولت در

۱. جهت مطالعه بیشتر ر. ک: علی اصغر نظری، ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۷، ص ۱۳۶.

۲. محمد رضا مظفری، پیشین، ص ۵۲.

۳. جهت مطالعه نظام حقوقی اندونزی ر. ک: مرتضی اسعدی، دانشنامه جهان اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، تهران، ص ۳۵۱.

۴. کی. کیم، کو، تاریخ جنوب شرقی، جنوب و شرق آسیا، مقاله‌ها و اسناد، ترجمه علی درویش، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷.

برنامه‌ریزی حمایت میکرد و تمایلات چپ گرایانه داشت که تورم شدیدی را در این کشور ایجاد کرد. در زمان سوهارتو، دومین ریاست جمهوری، طرح نوسازی و تثبیت اقتصاد اندونزی مطرح شد و نرخ تورم به کمتر از ۲۰ درصد رسید.

سوهارتو در طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ به کشاورزی و امور زیر بنایی تأکید کرد و به علت افزایش درآمدهای نفت، بخش صنعت نیز رشد زیادی یافت.^۱

توسعه اقتصادی اندونزی در دوران سوهارتو مبتنی بر چند شاخص است:

۱. نامحدود بودن نیاز جامعه و محدود بودن منابع موجود باعث شد مدیریت عقلانی ایجاد شود؛

۲. نظم و سازگاری دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی با حذف و تسهیل مقررات آزاد سازی اقتصادی؛

۳. اندونزی با اخذ وام، برنامه‌های تعدیل اقتصادی را در پیش گرفت، هر چند مردم دچار فشار مالی و اقتصادی شدند؛

۴. جدی بودن تصمیم دولت از مرحله واردات به توسعه صادرات، هر چند مخالفت‌های زیادی وجود داشت؛

۵. مدل توسعه اقتصادی اندونزی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد، باعث شد دولت از تجربه این توسعه بهره مند شود؛

نرخ رشد اقتصادی این کشور در این سال‌ها بالا رفت و در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۴ حدود شش درصد در سال به طور میانگین بوده است.^۲

پس از استخراج و تولید نفت، تجارت خارجی آن تحت تأثیر قرار گرفت و دارای رشد مازاد شد و بخش کشاورزی، جنگل و ماهی گیری نیز در سال ۱۹۹۰ حدود ۵۵ درصد شاغلان را به خود اختصاص داد.^۳ اندونزی با وجود مشکلات فراوان در دوران استعمار، توانست به لحاظ اقتصادی در سال ۱۹۶۷ از سایر اعضای «آ.سه. آن» پیشی بگیرد و دلیل این امر هم وجود نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن در این کشور است. اما بحران اقتصادی خاور دور در اندونزی در سال ۱۹۹۷ به بعد به اوج خود رسید. میزان فقر از ۱۱ درصد به ۴۰ درصد رسید و سوهارتو با فشار داخلی و خارجی مجبور به کناره گیری از قدرت شد و دکتر حبیبی معاون او با

۱. جهت مطالعه ر. ک: دنی لیبریگر، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه غلامعلی فرهادی، مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۱.

۲. جهت مطالعه ر. ک: فرامرز یوری، شناسایی کشورهای آسیا، انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۲.

۳. حسن مرزوقی، شناخت اقتصاد و تجارت آ. سه. آن، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۵۰-۳۸.

۴. جهت مطالعه ر. ک: محمود کرد زاده کرمانی، توسعه اقتصادی در اندونزی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹.

رأی پارلمان جانشین او شد^۱. تیمور شرقی که از استان‌های اندونزی بود، با اعلام مصاحبه مطبوعاتی حبیبی مبنی بر این که اگر مردم تیمور بخواهند جدا شوند ما هر کاری برای عملی شدن صلح آمیز آن انجام خواهیم داد، باعث شد که طرح همه پرسی درباره اقتصاد با حمایت کشورهای غربی خصوصاً آمریکا تشکیل شود و تیمور شرقی با ۷۸/۵ درصد رأی به استقلال برسد. کمتر از یک ماه بعد، انتخابات ریاست جمهوری در اندونزی به وجود آمد و عبدالرحمان وحید رهبر سازمان نهضت العلماء، رئیس جمهور اندونزی شد. وی در آوریل ۲۰۰۰ میلادی در اجلاس گروه ۷۷ اعلام کرد که تجزیه اندونزی و جدا شدن تیمور شرقی تحت فشار آمریکا صورت گرفته و اکنون همین توطئه را در سایر ایالات اندونزی اجرا می‌کند.^۲

جغرافیای سیاسی

پرتغالی‌ها در اوایل قرن شانزدهم در اندونزی استقرار یافتند، به دنبال آن در ۱۵۰۹ م. شماری از پادشاهی‌های مسلمان در شبه جزیره مالایا شکل گرفت و جاوه، سرزمین مهم اقتدار اسلامی شد. در این زمان، با ورود استعمار هلند مبارزه مردم با پرتغالی‌ها پیچیده شد و در سال ۱۶۰۵ م. هلندی‌ها توانستند با کنار زدن پرتغالی‌ها قدرت مطلقه اندونزی شوند.^۳

اندونزی تحت سلطه هلندی‌ها بود و مبارزه مردم رفته رفته در اثر حمله همه جانبه به ارزش‌های ملی، مذهبی، فشار و شکنجه مردم توسط هلندی‌ها، به صورت سازمان یافته درآمد. سرانجام در قرن بیستم این مجمع الجزایر دارای تفکرات سیاسی مختلف شد. با وجود اکثریت مسلمان در این کشور، گروه‌های اسلامی، ناسیونالیستی، مارکسیستی و... هر کدام به صورت فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشتند. ایده‌ها و عقاید هر کدام از گروه‌ها با اندیشه‌های سیاسی خاصی در صدد رسیدن به قدرت بودند. عده‌ای از گروه‌های اسلامی با حمایت نهادهای اجتماعی در تلاش برای گسترش اسلام در تمام عرصه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی بودند و با تمام وجود در صدد ایجاد حکومت اسلامی و مبارزه با استعمار برآمدند.

در این وضعیت، اندونزی رفته رفته به سمت انقلاب پیش می‌رفت و گروه‌های اسلامی با فعالیت و تلاش زیادی، گرچه با گرایش‌های فکری و معرفتی گوناگون در عرصه سیاسی و اجتماعی مبارزه می‌کردند، ولی برای رسیدن به آزادی و استقلال کشور از دست بیگانگان، یک هدف داشتند.

احزاب دیگر ناسیونالیستی و ملی نیز در این میان، فعال بودند و برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کردند. در اواخر دهه ۱۹۲۰ م. احزاب سیاسی ملی و در سال ۱۹۲۷ حزب ناسیونالیست اندونزی به رهبری سوکارنو تشکیل شد و سایر احزاب مخالف سلطه هلند با هدف

۱. جهت مطالعه بیشتر ر. ک: سید جلال مدنی، مبانی و کلیات علوم سیاسی (جلد چهارم) مواضع سیاسی و تحولات تاریخی دویست کشور جهان، انتشارات پایدار، تهران، ۱۳۸۸، ص ۵۲۹.

۲. همان، ص ۵۳۵.

۳. لاپیدوس، ایرا. ام، تاریخ جوامع اسلامی (۱)، ترجمه محسن مدیر شانه چی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۶، ص ۶۱۳.

رسیدن به استقلال اندونزی از سوکارنو پیروی می‌کردند. در ۱۹۲۰ م. حزب کمونیست اندونزی تأسیس شد و در سال ۱۹۲۶ چندین اعتصاب و شورش را در جاکارتا به وجود آورد. حزب ناسیونالیست به دو صورت در اندونزی گسترش یافت؛ یک جناح آن، نماینده منافع پری یایی‌های دارای تحصیلات غربی بودند و جناح دیگر، نماینده اشتیاق اندیشمندان رادیکال و کارگران برای تشکیل یک جامعه سوسیالیست بودند.

این دو جناح مبتنی بر ارزش‌های دنیوی و غیر مذهبی بود و به ترکیبی از مواریت و فرهنگ اندونزی با آرمان‌های بین‌المللی و غربی تأکید داشتند.^۱

مبارزات، سرانجام منجر به اعلام استقلال اندونزی توسط سوکارنو شد.^۲ از ۱۹۵۵ م. زمانی که مسلمانان در تشکیل دولت اسلامی شکست خوردند، زمام امور به دست رئیس‌جمهور سوکارنو افتاد و وی کوشید با ایجاد دموکراسی هدایت شده از نظام پارلمانی عدول کند و کابینه‌ای شامل کمونیست‌ها و یک شورای ملی تشکیل دهد.

در این میان، بین مسلمانان و کمونیست‌ها برخوردهای شدیدی رخ داد و پس از شکست کمونیست‌ها، ژنرال سوهارتو نظام جدیدی را در پایان سال ۱۹۶۵ م. برقرار کرد. وی سوکارنو را از قدرت برکنار کرد و در سال ۱۹۶۶ ریاست جمهوری را به عهده گرفت. سوهارتو در تمام این دوره دقیقاً مسلمانان را تحت نظارت داشت و با تشکیل حکومت انقلابی و تشکیل حزب مسلمانان اندونزی مخالفت می‌کرد.

در هر دو حکومت «سوکارنو» و «سوهارتو» حرکت‌های مسلمانان به شدت کنترل و سیاست‌های هلند در پیش گرفته می‌شد.

هلندی‌ها جنبه‌های سیاسی و مذهبی اسلام را از هم متمایز می‌دانستند. جنبه‌های مذهبی را تحمل و جنبه‌های سیاسی را سرکوب می‌کردند، در این میان، قدرت احزاب مسلمان کاسته شد و تنها نهضت العلماء که به همکاری با رژیم‌های غیر مذهبی تمایل داشت، نفوذ خود را حفظ کرد.^۳

هدف کلی کنگره علمای آچه، اطمینان خاطر از پرستش واقعی خدا نزد مسلمانان و خانواده‌های آنان بود و رعایت احکام اسلامی در امور معیشتی بود. هدف از این حرکت‌ها آشنا کردن مردم اندونزی با ارزش‌های اسلامی، تقویت اخوت اسلامی و تبدیل مسلمانان غیر واقعی به افراد فعال و متعهد در جامعه اسلامی بود. فعالیت سیاسی برای مسلمانان دارای این گرایش، جای خود را به اقامه نماز، روزه داری و سایر اعمال مذهبی داده است.

البته اندیشه‌های گروه‌های مسلمان در اندونزی بسیار متفاوت است. برخی از آنها اولویت به

^۱. لاپیدوس، ایرا. ام، تاریخ جوامع اسلامی (۲)، قرن نوزدهم و بیستم، ترجمه محسن مدیر شانه چی، آستان قدس

رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۶، ص ۲۶۲.

^۲. نبیله لوبیس، لمحہ عن اندونسیا، من منشورات وزاره الاعلام بالجمهوریه الاندونسیه (بی تا) ص ۴۴.

^۳. ایرا. ام، لاپیدوس، جلد (۲)، پیشین، ص ۲۷۸.

اصلاحات مذهبی و تمسک به قرآن و اطاعت از قوانین اسلام را حفظ کرده‌اند. برخی، در پی تشکیل دولت اسلامی هستند، عده‌ای بر مطابقت با علوم و فنون جدید، تجارت و تشکیلات سیاسی تأکید می‌کنند، گروهی، میان معیارهای مذهبی شخصی و زندگی روزمره تمایز قایل می‌شوند، برخی مبارزند و شماری نیز واقعیت رژیم سیاسی حاکم را پذیرفته‌اند.

در عین حال، بیشتر اندونزیایی‌ها به استحکام حیات اجتماعی مسلمانان در زمینه آموزش و پرورش، اقتصاد و جامعه وفادارند و در رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند.

البته در این که آیا مناقشه میان گروه‌های مسلمان در اندونزی، کلامی است یا فقهی و یا سیاسی، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به نظر می‌رسد که بعضی از مناقشات، کلامی و فقهی است، ولی در بیشتر موارد سیاسی است. مسلمانان در اصول و ضروریات دین، مانند اصل و ذات خداوند، اختلاف چندانی ندارند، ولی در این که نظام حکومتی باید اسلامی باشد یا غیر اسلامی و چگونگی اجرای آن، مورد اختلاف گروه‌های سیاسی مسلمان با یک دیگر است.

جریان شناسی سیاسی احزاب و گروه‌ها

مهم ترین احزاب و سازمان‌های اندونزی عبارتند از:

حزب محمدیه (۱۹۱۲ م)، حزب شرکت الاسلام (۱۹۱۲ م)، نهضت العلماء (۱۹۲۶ م)، حزب کمونیست (۱۹۲۰ م)، حزب ناسیونالیست (۱۹۲۷ م) و حزب ماشومی (۱۹۴۸ م).^۱

این گروه‌ها گرایش‌های ناسیونالیستی، مارکسیستی، اصلاح طلب اسلامی و سنت گرایی دارند. مردم برای رهایی از سلطه هلندی‌ها، استعمار بریتانیا، ژاپن و... در صدد راهی برای برون رفت از این مشکل بودند. به علت اکثریت شمار مسلمان این کشور، بهترین راه مبارزه در برابر تهاجم غرب، توجه مجدد به محتوای اسلامی بود و لذا در صدد تلاش برای بازگشت به اصالت خویش برآمدند. عده‌ای از گروه‌های مسلمان در صدد اصلاح طلبی اسلامی بوده و خیزش‌هایی را به صورت « جنبش محمدیه » و « شرکت الاسلام » شکل دادند. در مقابل، گروه‌های دیگر مسلمان اصلاح طلبی را به مصلحت جامعه اسلامی ندانسته و با تأکید بر سنت، اصالت قرآن و منابع حدیثی، این نوع اصلاح طلبی را افراط گرایانه دانسته و با آن مخالفت کردند که باعث به وجود آمدن اندیشه‌های علمای سنت گرا شد و با تشکیل سازمان نهضت العلماء^۲ به گسترش بیداری اسلامی در اندونزی پرداختند.

خلاصه‌ای از اندیشه‌های نهضت العلماء و محمدیه

اصلاح طلبان (محمدیه)	سنت‌گرایان (نهضت العلماء)
• اصلاح طلبان جهان را در طول تاریخ	• سنت‌گرایان، جهان را لایتغیر

۱. کدوری و دیگران، احزاب در کشورهای اسلامی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۱۵.

۲. رئیس‌المکتب الرئیسى للهیئة التربویة معارف لجمعیة نهضة العلماء: نهضة العلماء، الایدیولوجیة و الخطة السیاسیة و آمال تشکیل الأمة، ۲۰۰۴، الناشر: رئیس‌المکتب الرئیسى للهیئة التربویة معارف لجمعیة نهضة العلماء، ص ۲.

<p>می‌دانستند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • دین از نظر سنت گرایان، گرایش عرفانی و سحر آمیز ذهنی به شمار می‌آمد. هدف از نماز و روزه و ذکر، ایجاد آرامش درونی و هماهنگی میان مومن و حقیقت بود. • دین سنتی به شعایر مذهبی، بیان احساسات و پذیرش انفعالی حقیقت تمایل داشت. • دین سنتی، تعهد خود را به نوعی هماهنگی میان فرد و جامعه، جامعه و دولت و دولت با کل جهان هستی حفظ کرد. 	<p>پیوسته متغیر می‌دانستند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • اصلاح طلبان بر مهار نفس به صورت فعال اصرار داشتند. • دین را بر حسب مسئولیت فردی در اصلاح اخلاق و ایجاد جامعه‌ای اسلامی که با شرایط حاضر منطبق باشد، تعریف می‌کردند. دین آنان درون‌گرا، اخلاقی و عقلانی بود. • دین اصلاح طلبان فعالانه در صدد متحول ساختن فرد در جامعه بود تا یک آرمان شهر اسلامی تشکیل دهد.
--	---

نهضت العلماء از اصول سنتی اسلام دفاع و شریعت، مدارس دینی (پسانترن) و اعمال صوفیانه‌ای را که اساس معنویت اهل تصوف بود تأکید می‌کرد و آنچه را که اصلاح طلبان درباره قرآن و سنت مطرح می‌کردند، قبول نداشتند.

البته نهضت العلماء با اندیشه سنت‌گرایی خود، جریان عرفانی و صوفی‌گری را تا حدودی در اندونزی تقویت کرد^۱ و امروزه فرقه نقشبندیه و قادریه تحت تأثیر افکار نهضت العلماء رشد کرد. در حال حاضر چندین هزار دانشجوی نقشبندیه در اندونزی وجود دارد^۲. ولی اصلاح طلبان، مثل محمدیه، به علت این که در مسائل عادات و آنچه که در قرآن و سنت نیامده آن را محکوم کرده و تساهل به خرج می‌دهند، لذا آنچه را که توسط فرقه‌های صوفیه تبلیغ می‌شود، شدیداً محکوم می‌کنند و در عقاید اسلامی خود معتقد به اصلاح و رفع خرافات و رسوم سنتی هستند.

اصلاح طلبان نیز روش‌های آموزشی و تشکیلاتی غربی و عقاید علمی را پذیرفتند و مبارزه‌ای سخت در مطبوعات به راه انداختند تا اسلام را در بافت اجتماعی جای دهند. جنبش‌های پیش‌آهنگی، احداث مدارس، یتیم‌خانه‌ها و بیمارستان‌ها برای این که دین اسلام را

۱. جهت مطالعه درباره نقش صوفیه در سنت‌گرایی ر. ک:

Jong, F. de and Radtke (eds) (۱۹۹۹) Islamic mysticism contested: thirteen centuries of controversies and Polemics. P. ۱۰.

۲. ر. ک: بولتن ویژه، فهم تصوف و نقش بالقوه آن در سیاست خارجی آمریکا، ویراسته ژینو باران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۴، تهران.

به صورت یک نیروی فعال درآوردند، ضروری می‌دانستند.^۱ اندیشه اصلاح طلبی که « محمدیه » پیرو آن بود، از دیدگاه‌های رشید رضا، محمد عبده و دیگران نشأت گرفت. تفکر سلفیه و وهابیت نیز تأثیر فراوانی^۲ در اندیشه اصلاح طلبان جنبش محمدیه داشته است.

میان سنت گرایان، مثل نهضت العلماء، و اصلاح طلبان، مثل محمدیه، قبل از استقلال اندونزی اختلافات مذهبی زیادی وجود داشت؛ به ویژه در بحث استفاده از عقل و اجتهاد و مباحث فقهی مورد اختلاف، میان آنان شدیداً رواج داشت، اما پس از استقلال اندونزی و برای حفظ وحدت مسلمانان، بر اصول مذهبی مشترک بیشتر تأکید کردند تا اختلافات بر طرف گردد و بیشتر اختلافات آنان رنگ و بوی سیاسی یافت. لذا پس از استقلال میان این گروه‌ها تجدید روابط در عقاید مذهبی صورت گرفت و میان مسائل اصلی، مثل ماهیت روابط بین اسلام و دولت توافقی ایجاد شد و همگان متفق بودند که سکولاریزم باید ریشه کن شود و تعالیم اسلامی باید در تمام زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی به اجرا درآید. آنان با لیبرالیسم و امپریالیسم مخالف بودند و در تلاش برای آزادی، عدالت و دموکراسی با معیارهای اسلامی فعالیت می‌کردند. گرچه برای رسیدن به اهداف در مواقعی اختلاف دیدگاه داشتند و نخبگان حکومتی و سیاسی تلاش می‌کردند که اقتدار آنان را محدود کرده و از نفوذ آنان بکاهند، اما آنان دائماً درصد استیلای اسلام در سطوح مختلف جامعه اندونزی بودند.

خیزش اصلاح دینی

فرمان روای آنچه با پرتغالی‌ها و هلندی‌ها مبارزه و جهاد و تعالیم اسلام را تبلیغ می‌کرد. اسلام به لحاظ سیاسی بسیار اهمیت داشت و در زندگی روستایی و نیز با دولت ارتباط درهم تنیده‌ای یافته بود. اسلام در زندگی اجتماعی مردم آنچه و مالایا نقش داشت و ریاست روستا یا پنگولو را مقام‌های عالی تر منصوب می‌کردند و امام مسجد با حمایت یک مؤذن و یک واعظ، مراسم عبادی محلی را سامان می‌داد و در مدرسه محلی تدریس می‌کرد و وقتی به حج سفر می‌کرد به عنوان فردی مقدس از نیروی خارق العاده‌ای برخوردار بود. اسلام برای دولت مالایا نیز اهمیت داشت. سلاطین مالایا را مثل راجا ویانگ دی - پرتوان را برگزیده خدا مینامیدند که عده‌ای از آنان از اجداد مسلمانان هستند. مراسم ازدواج و قوانین ارث، آمیزه‌ای از هنجارهای اسلامی و سنتی « مینانگ کابو » بود.^۳

اما در سده هجدهم، اقتصاد و جامعه مینانگ کابو دست خوش تغییرات اساسی شد. تجارت طلا و قهوه از رونق افتاد، مردم بی خانمان و آواره روستاها زندگی خود را در شهرها و بازارها

۱. ایرا. ام، لاپیدوس، جلد (۱)، پیشین، ص ۲۶۸.

۲. جهت مطالعه درباره تأثیرات وهابیت در اندونزی ر. ک:

Martin Van Bruinessen, "Wahhabi influences in Indonesia, real and imagined" Paris ۱۰ June ۲۰۰۲. Web Norrmags.

۳. ایرا. ام، لاپیدوس، جلد (۱)، پیشین، ص ۶۱۹.

جست و جو می‌کردند. در این وضعیت، نهضت احیای دینی به رهبری «توانکونان توا» به وجود آمد.

وی با توسل به مبارزه‌ای نظامی بر اصلاح امور دینی و اجتماعی محلی مطابق با ضرورت‌های اسلام تأکید داشت و اجرای شریعت در اموری مثل ارث، مسائل خانواده، وضعیت مساجد، جشن‌های میلاد پیامبر (ص) را خواستار شد و معتقد بود که احکام دینی و بینش عرفانی، یعنی شریعت و طریقت، باید در زندگی دینی تلفیق شوند. استنباط اصلاح طلبان از اسلام با کاربردهای محلی سازگاری نداشت و لذا منجر به جنگ داخلی شدیدی در سال ۱۸۰۳ م. شد، که پس از بازگشت زائران از مکه و با آشنایی مقررات حاکم بر عربستان موضع اصلاح طلبان را تقویت می‌کردند و زائران در روستاهای تولیدکننده قهوه، وعظ و تبلیغ نموده و مردم را به تهذیب دینی، پیروی از شریعت، انضباط در نماز و تحریم قمار و خروس بازی، اجتناب از مصرف تریاک، نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال دخانیات، دزدی و خشونت و زندگی اسلامی مطابق با تعالیم پیامبر فرا می‌خواندند و با افکار و اعمال خرافی، که از استنباط روستاییان از اسلام بود مخالفت می‌کردند. این نهضت اصلاح طلبی، پس از مدتی دچار اختلاف شد. بسیاری از رؤسای سنتی از قبول جنبش اصلاح طلبی سرباز می‌زدند. آنان برای دفاع از خود از هلند، یاری خواستند. جنگی سخت و طولانی ۱۸۱۹ تا ۱۸۳۹ بوجود آمد تا زمانی که هلندی‌ها اصلاح طلبان را مغلوب و این ایالت را فتح کردند. بعد از آن، جنبش اصلاح طلبی دینی به خاموشی گرایید. گروه‌های اسلامی دیگری که در جزایر بودند از سرنوشت خود آگاه شدند و به دنبال ظلم و جور هلندی‌ها، درصدد برآمدند که به مبارزه جهت استقلال و آزادی دست بزنند.^۱

تحلیل و نتیجه‌گیری

چرا در اندونزی با وجود حکومت‌های غرب‌گرا و نخبگان حکومتی همسو حتی پس از استقلال، اندیشه‌های غرب‌گرایانه نتوانست از موج بیداری اسلامی و نفوذ جریان‌های اسلام خواهی بکاهد و مانع شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی گردد؟ با مطالعه و بررسی تاریخی این کشور، به این دیدگاه دست می‌یابیم که پس از اعلام استقلال این کشور در سال ۱۹۴۵ میلادی، نخبگان حاکم بیشتر متمایل به ارزش‌های سکولار بودند تا اسلامی. در دوره سوکارنو، حاکمیت سیاسی در دست کسانی بود که به محدود کردن نقش مذهب به حوزه عقاید شخصی فکر می‌کردند و علی‌رغم جمعیت ۹۰ درصدی مسلمانان این کشور، رهبران سیاسی این کشور دنبال گروه خاصی از مسلمانان بودند که با آنان هم‌فکری داشته و در پی تقویت بنیان‌های حکومت آنان باشد، اما زمانی که مسلمانان دریافتند که سوکارنو و حزب کمونیست در ۱۹۶۰ م. به یک دیگر نزدیک شده، شکاف میان عناصر اسلامی و مذهبی با سکولار گسترش یافت. هیچ یک از گروه‌های اسلامی اندونزی با کمونیست‌ها سرسازگاری ندارند و معتقدند عقاید اسلام با

۱. تاریخ جوامع اسلامی ۱، ص ۶۱۲-۶۱۸.

کمونیسم و سوسیالیسم در تضاد است. از این رو، حزب ملی اندونزی به رهبری سوکارنو، زمانی که هم بستگی خود را با حزب کمونیست تقویت کرد، منجر به چالش‌هایی با گروه‌های اسلامی گردید و پس از درگیری و کشندهای فراوان میان اندونزیایی‌ها و کمونیست‌ها سرانجام باعث سقوط دولت سوکارنو گردید. پس از آن، سوهارتو و ارتش قدرت را به دست گرفتند. سازمان‌های اسلامی امیدوار بودند که نقش مهم‌تری را در مسائل سیاسی - اجتماعی اندونزی ایفا خواهند کرد، ولی پس از مدتی حکومت سوهارتو دریافت که جنبش‌های اسلامی مخالف حکومت سکولار هستند و آنان به دنبال تشکیل حکومت اسلامی می‌باشند. از این رو، دولت سوهارتو نیز سیاستی مشابه سوکارنو را در پیش گرفت و کوشید نیروهای مسلمان را کنترل کند. در دهه‌های ۱۹۸۰ تنش‌های جدی و شدیدی میان جامعه اسلامی مسلمانان با حکومت سوهارتو به وجود آمد و این کشمکش و ستیز با نخبگان حکومتی مبنی بر این بود که صاحبان قدرت، اعتنایی به ارزش‌های اسلامی نداشتند و متأثر از نفوذ اقتصادی و فرهنگی غرب بوده‌اند و مسلمانان دریافتند که آنان در صدد ایجاد ایدئولوژی غیر اسلامی و ترویج آن هستند، از این رو، پس از مدتی، دولت سوهارتو نیز همان اصول دولت قبلی را دنبال و بر تحمیل ایدئولوژی «پانچا سیلا»^۱ تأکید می‌کند و مانع نفوذ جریان‌های اسلامی بر حاکمیت شده و خواهان جدایی دولت و حاکمیت از مذهب می‌گردد.

از عوامل مؤثر بر فعال شدن گروه‌های اسلامی در مقابله با تفکر غرب گرایانه، نفوذ گفتمان مدرن با بار ایدئولوژیکی خود در اندونزی بوده است؛ گفتمانی که در قالب تجدد گرایی، ملی گرایی و تشکیل دولت‌های مدرن خود را بر کشورهای اسلامی تحمیل کرد و بسیاری از اندونزیایی‌ها را جذب خود ساخت. عده‌ای از آنها بدون تأمل و درنگ تحت تأثیر این الگوها قرار گرفته و در رفتار سیاسی و اجتماعی خود از آن بهره برداری کردند و با تشکیل احزاب ملی و دولت و استفاده از تکنولوژی توانستند تجدد طلبی و ملی گرایی را فعال نمایند.

گیدنز معتقد است یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تجدد، ظهور دولت‌های مدرن ملی است که از آن به انقلابی سیاسی یاد می‌شود.^۲

^۱ این اصول پنج گانه، شامل اعتقاد به خدای واحد، انسانیت، وحدت ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که نوعی توهین به مسلمانان تلقی می‌شود. همانگونه که سوکارنو گفته بود مراد آنان از اعتقاد به خدای واحد این بود که نه تنها مردم اندونزی باید به خدا معتقد باشند بلکه هر فرد اندونزیایی می‌بایست به خدای خویش اعتقاد داشته باشد. باید مسیحیان خدا را بر اساس تعالیم عیسی مسیح و مسلمانان طبق آموزش‌های پیامبر خود و بوداییان نیز مراسم مذهبی خود را مطابق با کتابشان برگزار کنند.

این موضوع تنش‌های شدیدی را به وجود آورد که مسلمانان به مخالفت با آن پرداختند. حکومت نیز به دلیل ترس از جریان‌های انقلابی، نظیر آنچه در انقلاب اسلامی ایران رخ داد کوشیدند آن را کنترل کرده و با رقیق کردن اندیشه‌های اسلامی و گسترش اندیشه‌های کاذب اسلامی در صدد تضعیف آن برآمدند.

غرب نیز به حمایت از حکومت‌های آنان برخاست و با طرح بنیاد گرایی اسلامی و مبارزه با تروریسم در صدد حذف جریان‌های اسلام خواهی در کشورهای اسلامی شد.

^۲ Giddens, A (۱۹۸۶). Sociology: A Brief but Critical Introduction London, Macmillan. P. ۱۶.

تجدد خواهی با نگاه به انسان‌مداری و خرد ورزی و رهایی از سنت‌ها و قیدها و دوری از مذهب، در تفکر بعضی از اندونزیایی‌ها رخنه کرد. آنان با تشکیل احزاب ملی اندونزی و رسیدن به قدرت سیاسی، توانستند شاخص‌های مختلف مدرنیته را در اصول پنج‌گانه قانون اساسی این کشور تثبیت کنند. اما نفوذ اندیشه‌های مدرنیته موجب شد که در مقابله با آن، مسلمانان به تبیین اندیشه اسلامی بپردازند و مذهب را در رفتارهای فردی، اجتماعی و سیاسی دخالت داده و با تفکر سکولاری مبارزه کنند.

از این رو، گروه‌های اسلامی در دوران سوکارنو و نیز سوهارتو به محض آگاهی از اندیشه حاکمان و دولت مردان مبنی بر جلوگیری از نفوذ مذهب در پیکره سیاسی، به مخالفت برخاستند و در نتیجه کشمکش‌های شدیدی میان گروه‌های اسلامی و دولت مردان غرب‌گرا به وجود آمد.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار باورهای موجود که در سده نوزدهم اندونزی در قالب گفتمان مدرن و تجدد متجلی شده بود، به منبعی فکری برای جنبش‌های اسلامی تبدیل شد. گیدنز می‌گوید: «همه جنبش‌های اجتماعی در بازاندیشی تجدد مشارکت دارند».^۱ به هر حال، حوزه‌های فکری، معرفتی، فقهی و کلامی گروه‌های مختلف اسلامی در مقابله با اندیشه‌های مدرن، سازماندهی دوباره‌ای یافت و بسیاری از این گروه‌ها با اثربخشی از تفکرات خاورمیانه و نیز انقلاب اسلامی ایران^۲ در تشکیل حکومت اسلامی به تکاپو افتادند. بعضی از تحلیل‌گران اندونزیایی بر این باور بودند که جنبش‌های اسلامی در این کشور، انقلاب اسلامی دیگری است همانند ایران، لذا فعالیت گروه‌های اسلامی در دهه‌های اخیر قرن بیستم تحت کنترل قرار گرفت و حتی بعضی از فعالان، متهم به طرفداری از امام خمینی (ره) شدند که در صدد براندازی حکومت اندونزی بودند، از این رو، سازمانی به نام «شورای انقلاب اسلامی اندونزی» را متهم به جلب حمایت ایران برای سرنگونی رژیم سوهارتو کردند.^۳

گرچه این تبیین‌ها با واقعیت سازگاری ندارد و هیچ‌گاه ایران در صدد دخالت در امور کشورهای دیگر نبوده و نیست، اما نمی‌توان انکار کرد که تفکر و ایدئولوژی انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) برای همه آزادی خواهان جهان الگوی مطلوبی بوده که تأثیر فراوانی بر جهان

^۱. Giddens, A. (۱۹۹۰) The consequences Of Modernity. P. ۵۹.

^۲. جهت مطالعه بیشتر ر. ک:

- حمزه امرایی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸.

- جان. ال اسپوزیتو، انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲.

- محسن مجرد، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌المللی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷.

^۳. ر. ک: «جنبش‌های اسلامی در مالزی و اندونزی»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۸، ص ۶۲.

اسلام گذاشته است.

سرانجام نهضت العلماء توانست با تلاش‌های زیاد، یکی از رهبران این حزب را به نام «عبدالرحمن وحید» در انتخابات سال ۲۰۰۰ میلادی به ریاست جمهوری اندونزی برساند.

کتاب نامه فارسی

- محمد باقر حشمت زاده، تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ تهران.
- کلیفور رادموند باسورث، سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاه شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱ تهران.
- غلامرضا گلی زواره، جغرافیای جهان اسلام، آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیت‌های مسلمان، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ قم.
- مجله مکتب اسلام، سال ۱۳۷۱، شماره ۱۱، «اندونزی پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی».
- کشورهای جنوب شرق آسیا: رولا تیشوا، ترجمه غلامعلی سرمد، شبگیر، ۱۳۵۶، تهران.
- سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی، بهزاد شاهنده، سمت، ۱۳۷۴، تهران.
- ام. بی. هوکر، اسلام در جنوب شرقی آسیا، ترجمه محمد مهدی حیدرپور، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، مشهد.
- «سند شماره ۸۸۳۱، نهضت اسلامی اندونزی و مالزی و ارتباط با ایران»، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۳.
- غلامرضا گلی زواره، سرزمین اسلام، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- عزت‌ا... عزتی، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، واحد تدوین کتب درسی، ۱۳۷۸.
- مجموعه مقالات حمید مولانا، جهان اسلام و چالش‌های دنیای معاصر، انتشارات کیهان، ۱۳۸۵، تهران.
- علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد چهارم، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، تهران.
- ایرا. ام. لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیارزاده، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱ تهران.
- ریکلفس. ام. سی، تاریخ جدید اندونزی، ترجمه عبد العظیم هاشمی نیک، انتشارات وزیر امور خارجه، ۱۳۷۰، تهران.
- دلیارنوئر، نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، مشهد.
- برنارد ولک، تاریخ اندونزی، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴، تهران.

- مرتضی اسعدی، دانشنامه جهان اسلام (اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی)، جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، تهران.
- محمد رضا مظفری، اندونزی، وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲، تهران.
- عبد الهادی حائری، تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، مشهد.
- کاظم موسوی بجنوردی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، تهران.
- محمود محجوب و فرامرز یآوری، گیتاشناسی کشورها، جغرافیای طبیعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۶۴، تهران.
- دائره المعارف تشیع، ج ۲ (اخبار، ایهام)، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵، تهران.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، شرکت سهامی انتشار دافست، ۱۳۷۷، تهران.
- حسین قرچانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۲، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، تهران.
- اسلام، پژوهش تاریخی و فرهنگی (مجموعه مقالات)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، انتشارات مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، تهران.
- فرامرز یآوری، شناسایی کشورهای آسیا، انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۷۲، تهران.
- ترنتون کاست بیدو ریچارد تامن، جغرافیای عمومی جهان، مناطق مهم جغرافیایی، ترجمه ابوطالب صارمی، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۰، تهران.
- دائره المعارف جغرافیایی جهان، ج ۱، آسیا، ترجمه جعفر جاوید فر، انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب (بی تا)، تهران.
- علی اصغر نظری، ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی (رشته جغرافیا)، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۷ (بی جا).
- عبدالحسین سعیدیان، کشورهای جهان، انتشارات علم و زندگی، ۱۳۶۹، تهران.
- حسن مرزوقی، شناخت اقتصاد و تجارت آ. سه. آن، اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۶، تهران.
- نرگس ابوالحسنی خواجه، بررسی امکانات مبادلاتی کشورهای مسلمان، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲، تهران.
- احمد ساعی، مسائل سیاسی، اقتصادی جهان سوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت) ۱۳۷۸، تهران.

- بروک، پل، جهان سوم در بن بست، ترجمه امیر حسین جهانبگلو، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، تهران.
- دنی لیپیگر، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه غلامعلی فرجادی و دیگران، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۵، تهران.
- مارسل بوازار، اسلام در جهان امروز، ترجمه د. م. ی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، تهران.
- ماروین پری و دیگران، تاریخ جهان، تحول اندیشه، تمدن و فرهنگ جهان، ج ۲، ترجمه عبدالرحمن صدریه، انتشارات فردوس: ۱۳۷۷، تهران.
- ابوالقاسم راه چمنی، گزیده پژوهش‌های جهان (۱)، موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۱، تهران.
- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج ۲، ترجمه محمود تفضلی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶، تهران.
- محمود حکیمی، نگاهی به تاریخ معاصر جهان یا بحران‌های عصر ما، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸، تهران.
- جی. ای. گلد تورپ، جامعه شناسی کشورهای جهان سوم، نابرابری و توسعه، ترجمه جواد طهوریان، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، مشهد.
- محمود حکیمی، تاریخ تمدن جهان یا داستان زندگی انسان، ج ۱۸، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، تهران.
- محمود حکیمی، تاریخ تمدن جهان یا داستان زندگی انسان، ج ۱۶، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، تهران.
- کدوری و دیگران، احزاب در کشورهای اسلامی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۶۶، تهران.
- محمد علی موحد، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۲، انتشارات سپهر نقش، ۱۳۷۶، تهران.
- اقلیت‌های مسلمان در جهان (مجموعه مقالات)، ترجمه ایرج کرمانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، تهران.
- محمد کردزاده کرمانی، توسعه اقتصادی در اندونزی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، تهران.
- ابوالقاسم راه چمنی، گزیده پژوهش‌های جهان، ج ۳، موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۱، تهران.
- اصول و مبانی سیاست فرهنگی در آسیا و آفریقا، به کوشش رسول حسین لی، زیر نظر مسعود کوثری، انتشارات «آن»، ۱۳۷۹، تهران.
- مرتضی اسعدی، ایران، اسلام، تجدد، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۷، تهران.

- کی کیم. کو، تاریخ جنوب شرقی، جنوب و شرق آسیا، مقاله‌ها و اسناد، ترجمه علی درویش، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، ۱۳۷۲، مشهد.
- ویلفرد کنت ول اسمیت، اسلام در جهان امروز، ترجمه حسینعلی هروی، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
- ک. م. پانیکار، آسیا و استیلای باختر، ترجمه محمد علی مهمید، انتشارات روز، ۱۳۴۷، تهران.
- حسین نوروزی، آسیا، ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲، تهران.
- محمد عارف، جغرافیای عالم اسلام، تصحیح: صدیقه سلطانی فر، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹ (بی جا).
- فضیل ابوالنصر، رویارویی غرب گرایی و اسلام گرایی، ترجمه حجت ا... جورکی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، تهران.
- علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳، قم.
- بحران آنچه در یک نگاه، روزنامه اطلاعات، ۱۳ خرداد ۱۳۸۲، شماره ۲۲۸۸۶.
- محمد بهی، اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب، ترجمه سید حسین سیدی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، مشهد.
- هانری کرین، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسد ا... مبشری، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۱، تهران.
- فهم تصوف و نقش بالقوه آن در سیاست خارجی آمریکا، بولتن ویژه، ویراسته ژینو باران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۴، تهران.
- ریچارد هوانسیان و جورج صباغ، حضور ایرانیان در جهان اسلام، ترجمه دکتر فریدون بدره ای، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ اول، انتشارات باز، ۱۳۸۱، تهران.
- سید احمد موثقی، جنبش‌های اسلامی معاصر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ۱۳۷۸، تهران.
- روزنامه کیهان، هفتم شهریور ۱۳۷۱، شماره ۱۴۵۶۰.
- محمد جواد صاحبی، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، قم.
- آنتونی ه. جونز، از حجاز تا آنچه، ترجمه محمود اسماعیل نیا، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، تهران.
- جان ملسفیلد، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه حبیب اله صحیحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، تهران.

- محمد ربیع بن محمد ابراهیم، سفینه سلیمانی، ترجمه دکتر عباس فاروقی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، تهران.
- «سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- قانون اساسی اندونزی، اداره کل قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۲، تهران.
- فردر. فون در مهند، دو دنیای اسلام، روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه، ترجمه محمود اسماعیل نیا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، تهران.
- محمد عارف، جغرافیای عالم اسلام، تصحیح صدیقه سلطانی فر، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹ (بی جا).
- غلام سخی حلیمی، رسانه و جنبش‌های اسلامی معاصر، انتشارات پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲، قم.
- نور احمد قادری، تاریخ تمدن اندونزی.
- غلامرضا سفید دشتی، رستاخیز اندونزی.
- د. جی. ا. هال، تاریخ جنوب شرقی آسیا.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، دخالت‌های آمریکا در کشورهای اسلامی.
- ک. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷، تهران.
- فرانسیس تشنر و مقبول احمد، تاریخچه جغرافیا در جهان اسلام، ترجمه محمد حسن گنجی و عبدالحسین آذرنگ، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۸، تهران.
- سفرنامه ناصر خسرو، ناصرین خسرو قبادیانی مروزی، به کوشش نادر وزین پور، کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۶، تهران.
- علی اصغر نظری، ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۷ تهران.
- غلامرضا طالقانی، بازار مشترک کشاورزی برای کشورهای مسلمان خاورمیانه، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ ۱۳۷۰ تهران.
- سیستم‌های حقوقی کشورهای اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ترجمه محمد رضا ظفری، فخرالدین اصغری، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات ۱۳۷۴.
- فرهنگ جغرافیای جهان، بخش تحقیقات مؤسسه جغرافیای سحاب، ۱۳۷۷، تهران.
- بروکلیمان کارل، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هادی جزایری، بنگاه ترجمه نشر کتاب، ۱۳۴۶، تهران.
- گیتاشناسی نوین کشورها، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی، ۱۳۸۴، تهران.

- غلامعلی حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، ۱۳۸۴، تهران.
- عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵، تهران.
- عبدالرضا فرجی، جغرافیای کشورهای مسلمان، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۶۹، تهران.
- علی منتظمی، اسلام و مسلمانان، انتشارات بعثت (بی تا) تهران.
- روزنامه اطلاعات، ۱۴ / ۴ / ۱۳۷۷، مسلمانان جنوب شرقی آسیا و انقلاب اسلامی، محمود اساعیل نیا.
- محمد بروجردی، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آ.سه. آن)، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، تهران.
- حمزه امرایی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، تهران.
- جان. ال. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، محسن مدیر شانه چی، مرکز باز شناسی اسلام و ایران، انتشارات باز، ۱۳۸۲، تهران.
- محسن مجرد، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین المللی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، تهران.
- سید جلال الدین مدنی، مبانی و کلیات علوم سیاسی، جلد ۲ شناسایی کشورها، تحولات تاریخی و مسائل سیاسی جهان معاصر، انتشارات پایدار، تهران، ۱۳۸۸.
- مبانی و کلیات علوم سیاسی، جلد ۴، مواضع سیاسی، تحولات تاریخی دویست کشور جهان، سید جلال الدین مدنی، انتشارات پایدار، تهران، ۱۳۸۸.
- سید جلال الدین مدنی، تبلور اسلام در مقابل ابرقدرتها، غیر متعهدها از باندونگ تا هاوانا، انتشارات پایدار، تهران، ۱۳۸۷.
- سید مصطفی طباطبایی، کشور اسلامی اندونزی، ماهنامه مکتب اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- سید هادی خسروشاهی، در اندونزی چه می‌گذرد؟، جهان اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نبرد مسیحیت و اسلام در اندونزی، ترجمه المجتمع، شماره ۲۴۹، ماهنامه مکتب اسلام.
- سرنوشت دردناک اندونزی بزرگترین کشور اسلامی (نقشه‌های مخرب کلیسا و کمونیسم برای «اندونزی»)، مجله الدعوه، شماره ۶، ذی الحجه ۱۳۹۶، چاپ قاهره.
- اندونزی، ترجمه فاطمه یوسفی، ELA وب سایت، فورریه ۲۰۰۰.
- مجتبی مقصودی، اندونزی؛ درس‌هایی از بحران همبستگی، فصل نامه مطالعات ملی، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۹.
- محمد علی خطیب، ادموند میرزا خانیان و ماندانا شمیرانی، دیدگاه‌های نوین در

- راهبردهای توسعه، تجارت آسیای جنوب شرقی، فصل نامه راهبرد، شماره ۷، تابستان ۱۳۷۴.
- علی رشیدی، معجزه اقتصادی اندونزی (درسهایی برای ما)، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۸، شماره ۸۲ - ۸۱ خرداد و تیر ۱۳۷۳.
 - گزیده عناوین و مطالب هفته نامه آتیه، شماره ۱۸۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷، شماره پیام ۹۴.
 - جشن‌های ملی و مذهبی در اندونزی، سایت Norrmags.
 - نظام آموزشی اندونزی، [www. iranculture. org](http://www.iranculture.org).
 - هاوارد.م. فدرشپیل، اسلام و ایدئولوژی در کشور نوپای اندونزی، ترجمه احمد تقی زاده سارو کلایی، لندن ۲۰۰۱.
 - اتحادیه انجمن اولیاء و مربیان اندونزی، خانم ساسانتی کوساسی، ۸ صفحه، سایت Norrmags.
 - س. بادیسانتوسو، «نگاهی به توسعه فرهنگی در اندونزی (ققنوس هدایت)»، ترجمه گودرز میرانی، هفته نامه فرهنگی، هنری اجتماعی مهر، شماره ۳۲، سال ۱۳۸۲.
 - محمد ظفر اقبال، تأثیر فارسی در ادبیات اندونزی، نامه پارسی، ۱۳۸۴، شماره ۴.
 - لاواری پرینگوادیسارگو، کتابخانه‌های اندونزی، ترجمه حمید محسنی، دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی (نسخه آزمایشی) ۵ / ۱۲ / ۲۰۰۷.
 - جنبش دانشجویی اندونزی، سایت باشگاه اندیشه، ترجمه کامبیز پارتازیان، ۸۳ / ۷ / ۱۵.
 - خطی از خطه سوم، ادبیات اندونزی شانه‌ای از عاج، همایون نور احمر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
 - پرویز نوریانی، زندگی، استقلال و آزادی، سایت Norrmags.
 - سیمای اقتصادی اندونزی (بررسی‌های بازرگانی)، سایت Norrmags.
 - محمد سخایی، جنبش‌های اسلامی اندونزی و چالش‌های پیش رو، باشگاه اندیشه (www.bashgah.org)، ۱۵ آبان ۸۶، ۶ نوامبر ۲۰۰۷.
 - معرفی کشور اندونزی، سایت آفتاب، ۲۵ خرداد ۸۵، ۱۵ ژانویه ۲۰۰۶.
 - دکتر حسین سالاری، وقت برای کشتن کم بود (درباره پیش آمدهای اندونزی)، ۲۲ صفحه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
 - مونا مشهدی رجبی، گام‌های متزلزل اندونزی برای اصلاح اقتصاد، مجله گسترش صنعت، ۱۳۸۶.
 - سیاست گذاری سینما در اندونزی، عنوان اصلی مقاله: Cinema Policing in Indonesia، کریشتاسن، منبع ۱۹۹۶، Rourledge, Film Polichy, ترجمه مولود پاکروان: نقد سینما،

شماره ۱۹.

- بامبانگ سوهندرو، «اصلاحات در سیاست‌های آموزش عالی اندونزی»، ترجمه حسن نفرآباد، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۵ و ۱۶، سال ۱۳۷۷.
 - بامبانگ سوهندرو، راهنمای بلند مدت توسعه آموزش عالی برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵، وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی، جاکارتا، ۱۹۹۶.
 - بامبانگ سوهندرو، توسعه علوم و فن آوری، شورای تحقیقات ملی، جاکارتا، ۱۹۹۶.
 - وی، ام، سی. ماهون و بوئدیونو، جهت‌گیری‌های بازار و تجزیه و تحلیل بازارکار، نگرش جدید به آژانس تحقیق و توسعه عرضه و تقاضای نیروی انسانی، وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی، جاکارتا، ۱۹۹۰.
 - واردیمان جوجونگورو، مفهوم تناسب و رابطه موسسه دویچز فروم، جاکارتا، دسامبر ۱۹۹۴.
 - با مسلمانان جهان نزدیک شویم (اندونزی ۲)، سایت Norrmags.
 - کتابهای خارجی (سرگذشت اندونزی)، منوچهر امیری، سایت Norrmags.
 - پیشرفت تعاونی‌ها در برنامه عمرانی چهارم اندونزی ۱۹۸۷-۱۹۸۳، مترجم دکتر غلامعلی سرمد، مأخذ: Strengthening Pillars of self-Reliance of the COOPERATIVES.
 - غلام سخی حلیمی، رسانه و جنبش‌های اسلامی معاصر، انتشارات پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۲.
 - محمد مسجد جامعی، زمینه‌های تفکر سیاسی (در قلمرو تشیع و تسنن)، انتشارات الهدی، تهران، ۱۳۶۹.
 - لوئی گارده، اسلام، دین و امت، ترجمه رضا مشایخی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۵۲.
- محمد اسد شهاب، «شیعه در اندونزی از روزگار نخست تا عصر حاضر»، ماهنامه مکتب اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلام.

